نشانه عظمت و جلال خداوند

📅تاریخ: ۰۷/۰۷/۱۳۹۹📅

زمان مطالعه: ۴۶دقیقه



📜متن: از امام باقر و امام صادق علیهما السلام روایت شده که ایشان فرمودند: خداوند محمد صلّی اللّٰه علیه و آله را از گِلی برگرفته از گوهری به زیر عرش آفرید، گِل رسول خدا تراوشی داشت که سرشت گِل امیرمومنان از تراوش آن گِل است و گِل امیرمومنان تراوشی داشت که سرشت گِل ما از تراوش آن گِل است و گِل ما تراوشی داشت که سرشت گِل شیعیان ما از تراوش آن گِل است، از این روست که دل‌های آنان مشتاق ماست و دل‌های ما به آنان مهر می‌ورزد چونان دل پدری که به پسرش مهر می‌ورزد، ما برای آنان از همه بهتریم و آنان برای ما از همه بهترند و رسول خدا صلّی اللّٰه علیه و آله از برای ما از همه بهتر است و ما برای او از همه بهتریم📜

متن: از ابی سعید خدری روایت شده که وی گفت: نزد رسول خدا صلّی اللّٰه علیه و آله نشسته بودیم که ناگاه مردی خدمت ایشان رسید و عرض کرد: ای رسول خدا! مرا از کلام خداوند عزوجل به ابلیس «أَسْتَكْبَرْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعالين» {آیا تکبر نمودی یا از [جمله] برتری جویانی؟} آگاه فرما، ای رسول خدا آنان کیستند که از فرشتگان برترند؟! رسول خدا صلّی اللّٰه علیه و آله فرمود: من و علی و فاطمه و حسن و حسین دو هزار سال پیش از آن که خداوند آدم را بیافریند، در سراپرده عرش خدا را تسبیح می‌گفتیم و فرشتگان با تسبیح ما تسبیح می‌گفتند، وقتی خداوند عزوجل آدم را آفرید، به فرشتگان فرمان داد تا بر او سجده کنند اما به ما فرمان سجده نداد، آن‌گاه همه فرشتگان سجده کردند جز ابلیس که از سجده سر پیچید، خداوند تبارک و تعالی فرمود: {آیا تکبر نمودی یا از [جمله] برتری جویانی؟} یعنی از جمله آن پنج تنی که نامشان بر سراپرده عرش نوشته شده است.

متن: امام صادق علیه السلام فرمود: محمد صلّی اللّٰه علیه و آله و علی علیه السلام دو هزار سال پیش از آفرینشِ خلق، نوری در برابر خداوند جلّ جلاله بودند، وقتی فرشتگان آن نور را دیدند که منشأی دارد و پرتوی درخشان از آن منشعب شده است، عرض کردند: خداوندا و سرورا! این نور چیست؟ خداوند عزوجل به آنان وحی فرمود که این نور از نور من است، منشأش نبوت است و شاخه‌اش امامت، نبوت از برای بنده و فرستاده من محمد است و امامت از برای حجت و ولیّام علی، اگر آن دو نبودند خلقم را نمی‌آفریدم

📜متن: از قبیصة بن یزید جعفی روایت شده که گفته: خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم و ابن ظبیان و قاسم صیرفی نیز نزد ایشان بودند. سلام کردم و نشستم و عرض کردم: ای پسر رسول خدا! پیش از آن که خداوند آسمان پهناور و زمین گسترده و تاریکی و نور را بیافرینند، شما کجا بودید؟ فرمود: پانزده هزار سال پیش از آن که خداوند آدم علیه السلام را بیافریند، ما همانند نوری گرداگرد عرش بودیم و خداوند را تسبیح می‌گفتیم. وقتی خداوند آدم علیه السلام را آفرید، ما را در صلب او گذاشت و هم‌چنان ما را از صلبی پاک به رحِمی پاکیزه منتقل کرد تا آن‌که محمد صلّی اللّٰه علیه و آله را برانگیخت📜

📜متن: از ثُوَیر بن ابی فاخته روایت کرده است که وی گفت: حضرت امام سجاد علیه السلام در مسجد رسول خدا صلی اللّٰه علیه و آله سخن می‌گفت، شنیدم که ایشان فرمود: پدرم برایم نقل کرد که از پدرش علی بن ابی طالب علیه السلام شنیده که ایشان با مردم سخن می‌گفت و می‌فرمود: چون روز قیامت فرا رسد، خداوند تبارک و تعالی مردم را ختنه ناشده و تندرست و بی‌مو و بی‌ریش، همه را بی‌هیچ تفاوتی از گورهاشان بر می‌انگیزد و روشنی، آنان را به پیش می‌برد و تاریکی گردشان می‌آورد؛ تا این‌که بر ورطه محشر می‌ایستند و بر هم دگر سوار و به هم دگر فشرده می‌گردند و از ره سپردن بازداشته می‌شوند، پس نفس کشیدنشان سخت و عرق بر تنشان بسیار و کار بر آنان دشوار می‌شود و آه و ناله‌شان بالا می‌رود و فریادشان بر می‌آید و این نخستین هراس از هراس‌های روز قیامت است.

آن‌گاه خداوند جبّار تبارک و تعالی، از فراز عرش خود و در سایه انبوه فرشتگان بر آنان مشرف می‌شود و فرشته‌ای از فرشتگان را فرمان می‌دهد تا در میان آنان ندا سر دهد: ای جماعت آفریدگان! ساکت شوید و به منادی خداوند جبّار گوش فرا دهید. در آن دم همه سراسر گوش می‌شود. آوایشان به خاموشی و قلب‌هایشان به خاکساری و تن‌هایشان به لرزه و دل‌هایشان به هراس می‌افتد و سر به سوی ندا بر می‌آورند و گردن به سوی فراخواننده می‌چرخانند. در آن هنگام کافر می‌گوید: به راستی این روز، روز سختی است. خداوند جبّار داور دادگر، مشرف بر آنان می‌فرماید: منم الله که هیچ خدایی جز من نیست و من آن داور دادگرم که هیچ ستم نمی‌ورزد و امروز با عدل و داد خود، میان‌تان حکم می‌کنم و امروز هیچ‌کس نزد من ستم نمی‌بیند و امروز حقّ ناتوان را از توانمند می‌گیرم و داد ستمدیده را به تاوانی از کردار نیک و کردار ناپسند از ستمگر می‌ستانم و پاداش دهش‌ها را می‌دهم و امروز هیچ ستمگری نزد من این گردنه محشر را پشت سر نمی‌گذارد و آن‌کس که حقّ دیگری نزد اوست، بیرون نمی‌رود، جز آن‌که حقدار از حق خود بگذرد و من بر این کار، پاداشش دهم و آن را به هنگام حساب برایش به شمار درآورم؛ پس ای آفریدگان! گرد هم آیید و داد خود را از آن کس که در دنیا بر شما بیداد کرده، بخواهید و من بر آن گواهتان هستم و گواهی من بس است. پس اهل محشر با یک‌دیگر روبرو می‌شوند و گرد هم می‌آیند و هیچ داد و هیچ حقّی از برای کسی نزد دیگری بر جای نمی‌ماند، جز آن که به او بر می‌گردد. آنان هر آن قدر که خدا بخواهد بر جای می‌مانند و حالشان بد و عرق بر تنشان بسیار و اندوه‌شان سخت می‌شود و صدای آه و ناله دردناک‌شان بلند می‌شود و آرزو می‌کنند حقّی را که از دیگری می‌خواهند، رها کنند

تا از آن گردنه رهایی یابند، چون خداوند عزّ و جل بر رنج آنان نظر می‌افکند، ندادهنده‌ای از جانب خداوند تبارک و تعالی ندا سر می‌دهد و همه سراسر گوش می‌شوند: ای جماعت آفریدگان! ساکت شوید و به فراخواننده‌ای از سوی خداوند تبارک و تعالی گوش فرا دهید، خداوند تبارک و تعالی به شما می‌فرماید: من بسی بخشنده‌ام، اگر دوست می‌دارید، یک‌دیگر را ببخشید وگرنه داد شما را خواهم گرفت. آن‌گاه اهل محشر به سبب رنج سخت و راه تنگ و انبوهی شمار خود، از این خبر شادمان می‌شوند و برخی به امید رهایی از آن گردنه، از حقّ خود می‌گذرند و برخی دگر بر جای می‌مانند و عرض می‌کنند: پروردگارا! حقّ ما بزرگتر از آن است که از آن بگذریم. در آن دم ندادهنده‌ای از سوی عرش ندا سر می‌دهد: کجاست رضوان، نگاهبان باغ‌های بهشت؟ پس خداوند عزّ و جلّ به او فرمان می‌دهد تا از بهشت، قصری از نقره با بناها و خادمان بسیارش به نمایش گذارد. آن‌گاه رضوان، قصری آکنده از خادمان و کنیزان را به آنان می‌نمایاند و ندادهنده‌ای از سوی خداوند تبارک و تعالی ندا سر می‌دهد: ای جماعت آفریدگان! سر بلند کنید و به این قصر بنگرید. آنان سر بر می‌آورند و همه آرزوی آن قصر می‌کنند. سپس ندادهنده‌ای از سوی خداوند تبارک و تعالی ندا سر می‌دهد: ای جماعت آفریدگان! این از برای کسی است که از مؤمنی بگذرد. این چنین تمامی آنان عفو پیشه می‌کنند، جز شمار اندکی. در آن هنگام خداوند عزّ و جلّ می‌فرماید: امروز هیچ ستمگری به بهشت من راه نمی‌یابد و امروز هیچ ستمگری و نیز هیچ مسلمانی اگر حقّ کسی نزدش باشد، به دوزخ من نمی‌رود تا این‌که آن حق را به هنگام حساب از او بگیرم، پس ای آفریدگان! برای حساب آماده شوید.

در آن‌دم راه پیش پایشان باز می‌شود و رو به سوی گردنه محشر می‌گذارند و یک‌دیگر را کنار می‌زنند تا به آن جایگاه می‌رسند، حال آن که خداوند جبّار تبارک و تعالی بر عرش استقرار یافته‌اند و نامه‌های عمل باز شده و میزان‌ها برپا شده و پیامبران و گواهان حاضر گشته‌اند؛ اینان امامان هستند و هر یک بر اهالی دنیای (روزگار) خود گواهی می‌دهند که در میان آنان فرمان خداوند عزّ و جلّ را برپا داشته‌اند و به راه خدا دعوتشان کرده‌اند. چون سخن به این جا رسید، مردی از قریش برخاست و عرض کرد: ای پسر رسول خدا! اگر حقّی از مؤمن نزد کافر باشد، چه چیزی از کافر گرفته می‌شود، در حالی که او در دوزخ است؟ حضرت امام سجاد علیه السلام به او فرمود: از گناهان آن مسلمان به اندازه حقّی که نزد آن کافر داشته، برداشته می‌شود و آن کافر افزون بر عذاب کفرش، عذاب گناهان آن مسلمان را به اندازه حقّی که از او بر عهده داشته، می‌کشد.📜

📜متن: امام باقر علیه السّلام، به جابر بن عبدالله فرمود: با تو کاری دارم که می‌خواهم در خلوت درباره آن سخن بگویم. و چون روزی این فرصت پیش آمد به وی فرمود: مرا از لوحی خبر ده که در دست مادرم فاطمه بنت رسول الله صلی الله علیه و آله دیدی. جابر گفت: خدا را بر آنچه می‌گویم شاهد می‌گیرم، من برای تهنیت تولد حسین علیه السّلام نزد فاطمه دخت رسول خدا صلی الله علیه و آله رفتم که لوحی سبز از زبرجد سبز دیدم که نوشته‌های داخل آن روشن‌تر از خورشید و خوش‌بوتر از مُشک اذفر بود، پس پرسیدم: ای دخت رسول خدا، این چیست؟ فرمود: این لوح را خدای عزّوجل به پدرم هدیه داده است که در آن نام پدرم و علی و نام اوصیای بعد از وی قید شده است.

پس از وی خواهش کردم آن را به من بسپارد تا نسخه‌ای از روی آن بنویسم و او چنین کرد. پس امام باقر علیه السّلام به وی فرمود: آیا می‌توانی نسخه مرا با آن مقابله کنی؟ عرض کرد: آری، سپس جابر به خانه اش رفت و با صحیفه‌ای از کاغذ باز آمد. امام باقر علیه السّلام به وی فرمود: شما به صحیفه خود نگاه کن تا آن را برایت بخوانم. در این صحیفه چنین نوشته شده است: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيم » این کتابی (نامه‌ای) است از جانب خدای عزیز علیم که آن را جبرئیل بر محمّد خاتم پیامبران نازل کرده است. ای محمّد، نام‌های مرا بزرگ‌بدار و شکرگزار نعمت‌های من باش و منکر آیات من مباش و امیدت جز به من نباشد و از کسی غیر از من مترس که هرکس امیدش به غیر من باشد و از غیر من بترسد، چنانش عذاب کنم که کسی از جهانیان را عذاب نکرده باشم. ای محمّد، من تو را از میان پیامبران برگزیدم و وصیّ تو را بر دیگر اوصیا برتری دادم و پس از علی، حسن را صندوقچه علم خویش قرار دادم و حسین بهترین فرزندان اولین و آخرین است و امامت در او تثبیت می‌شود و از فرزندان او علیّ زین العابدین جانشین وی می‌گردد و محمد باقر، شکافنده علم من و دعوت کننده به راه من، بر راه حق حرکت می‌کند، و جعفر صادق که در قول و فعل صادق است و بعد از او فتنه‌ای تاریک در می‌گیرد، پس وایِ وای بر تکذیب کننده عبد و برگزیده‌ام از میان خلقم موسی، و علی رضا را عفریتی در شهری که آن را عبدصالح بنا کرده به قتل می‌رساند و در کنار بدترین مخلوق خدا دفن می‌کند، و محمد هادی که هدایت‌گر به سوی راه من است و مدافع حریم من، و حسن روسفید که قیّم بر رعیت خویش است، و او از علیّ «ذو الاسمین» زاده می‌شود، و سپس حسن و جانشین اوصیا محمّد در آخرالزمان خروج خواهد کرد

در حالی که ابری سفید سایه‌بان او خواهد بود، او با صدایی رسا آن گونه که ساکنان جهان و انس و جن و شرق و غرب می‌شنوند، ندا در می‌دهد، او مهدی آل محمّد است که زمین را پر از عدل و داد می‌کند همان‌طور که از قبل پر از ظلم و ستم شده بود.

متن: عبد اللّه بن محمد جعفی، از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که فرمود: خداوند متعال مخلوقات را آفرید و هر آن که را دوست داشت از آن‌چه که دوست داشت، آفرید و کسانی را که دوست داشت، از گِل بهشت آفرید و آفرینش آن‌که را که ناخوش داشت از جنس آن چیزی را که دوست نداشت قرار داد و آنان را که نفرت داشت از گِل و سرشت آتش آفرید و سپس همه آن‌ها را در سایه‌ها برانگیخت. من گفتم: سایه چیست؟ فرمود: مگر تو متوجّه سایه‌ات در زیر تابش آفتاب نشده‌ای که به ظاهر، چیزی هست، ولی واقعاً چیزی نیست؟! سپس از میان آنان پیامبران را مبعوث گردانید و آن‌ها مردم را به پذیرش و ایمان به پروردگار متعال فرا خواندند و خداوند نیز در همین زمینه فرموده است: «وَلَئِن سَأَلْتَهُم مَّنْ خَلَقَهُمْ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ» [و اگر از آنان بپرسی چه کسی آنان را خلق کرده، مسلّماً خواهند گفت: خدا] سپس از آنان خواست که به پیامبران ایمان آورند. گروهی پذیرفتند و بعضی منکر آنان گشتند. سپس آنان را به پذیرش ولایت ما فراخواندند و به خداوند قسم، کسانی که محبت الهی در سرشت آنان بود، ولایت ما را قبول کردند و آنان که نفرت در سرشت آنان بود، منکر ولایت شدند و آیه «فَمَا كَانُواْ لِيُؤْمِنُواْ بِمَا كَذَّبُواْ بِهِ مِن قَبْلُ» به این مسئله اشاره دارد.

📜متن: پیامبر خدا صلی اللّٰه علیه و آله و سلم فرمود: کسانی که محبت به خدا را دارند، در روز قیامت بر زمینی از زبرجد سبز در سایه عرش خداوند از سمت راست او حرکت می‌کنند و هر دو دست خداوند مبارک و میمون است. چهره آنان از برف سفیدتر و از خورشید تابان درخشان‌تر است و همه فرشتگان مقرب و پیامبران فرستاده شده به مکانت آنان غبطه می‌خورند. مردم می‌گویند: این‌ها کیستند؟ پاسخ می‌آید: این‌ها کسانی هستند که به خاطر خدا دوست می‌داشتند📜

🕋متن: تَبَارَکَ الَّذِی بِیَدِهِ الْمُلْکُ وَ هُوَ عَلَیٰ کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ🕋

☪ترجمه: پر برکت و زوال‌ناپذیر است کسی که حاکمیت و مالکیت (جهان‌هستی) به دست اوست، و او بر هر چیز تواناست☪

🕋متن: وَ مَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَن یَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِینَ🕋

☪ترجمه: و شما اراده نمی‌کنید مگر این که خداوندی که پروردگار جهانیان است، اراده کند!☪

🕋متن: هُوَ اللَّهُ الَّذِی لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَیْبِ وَ الشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَٰنُ الرَّحِیمُ🕋

☪ترجمه: او خداوند یگانه‌ای است که معبودی جز او نیست، دانای آشکار و نهان است، و اوست بخشنده و مهربان☪

متن: هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِی السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

ترجمه: او خداوندی است هستی‌بخش، آفریننده‌ای ابداع‌گر، و صورت‌گر (بی نظیر). از آن اوست بهترین نام‌ها. آن‌چه در آسمان‌ها و زمین است تسبیح او می‌گویند. او توانا و حکیم است

متن: اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى

ترجمه: او خداوندی یگانه است که معبودی جز او نیست. و نیکوترین نام‌ها از آنِ اوست

متن: اللَّهِ الَّذِی لَهُ مَا فِی السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِی الْأَرْضِ وَ وَيْلٌ لِّلْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ شَدِيدٍ

ترجمه: همان خدایی که آنچه در آسمان‌ها و آن‌چه در زمین است، از آن اوست. وای بر کافران از مجازات شدید

متن: وَ لَهُ الْكِبْرِيَاءُ فِی السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

ترجمه: و برای اوست کبریا (و عظمت) در آسمان‌ها و زمین، و اوست توانا و حکیم

متن: وَ تَرَى الْمَلَائِكَةَ حَافِّينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَ قُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَ قِيلَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

ترجمه: (در آن روز) فرشتگان را می‌بینی که بر گرد عرش حلقه زده‌اند و پروردگارشان را حمد و تسبیح می‌گویند. و در میان آنان به‌حق داوری می‌شود. و گفته خواهد شد: «حمد و ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار جهان‌یان است.»

متن: فَلِلَّهِ الْحَمْدُ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَ رَبِّ الْأَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

ترجمه: پس ستایش مخصوص خداست، پروردگار آسمان‌ها و پروردگار زمین و پروردگار همه جهان‌یان

متن: أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَ الْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ

ترجمه: آگاه باشید که آفرینش و تدبیر (جهان)، از آن او (و به فرمان او) است! پر برکت و بی‌زوال است خداوندی که پروردگار جهانیان است

متن: ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ فَتَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ

ترجمه: این است خداوند پروردگار شما. زوال‌ناپذیر و پر برکت است خداوندی که پروردگار جهانیان است

🕋متن: تَبَارَکَ اسْمُ رَبِّکَ ذِی الْجَلَالِ وَ الْإِکْرَامِ🕋

🌙ترجمه: پر برکت و زوال‌ناپذیر است نام پروردگار صاحب جلال و بزرگ‌وار تو.🌙

📝تفسیر: سعد بن طریف، از امام باقر علیه السلام نقل کرده است که در باره آیه «تَبَارَکَ اسْمُ رَبِّکَ ذِی الجَلال والإِکْرَامِ» فرمود: ما عظمت خداوند و کرامت او هستیم، کرامتی که خداوند آن را به بندگانی که از ما اطاعت می‌کنند می‌بخشد.📝

📚کتاب: تفسیر قمی، ج۲، ص۳۲۴📚

📚سوره‌ها؛ملک،تکویر،حشر،ابراهیم،طه،جاثیه،زمرد،الأعراف،غافر،رحمن آیات؛۲۲،۲۹،۱/۳۷،۸،۲،۲۴/۷۸،۶۴،۵۴،۷۵،۳۶📚

📝نکات‌علمی: تجربه نزدیک به مرگ؛ من در راه خانه‌ای بودم که به آن تعلق داشتم و از آن‌جا آمده بودم. روحم اکنون از بندهای زمینی آزاد بود و از سفر زمینی خود بر می‌گشت. شدت احساساتم فراتر از حد تحمل بود. توضیح دادن میزان آن سخت است ولی ایمان و اعتقاد به خدا تمام روحت را در بر می‌گیرد.

خوشحالی که این اتفاق می‌افتد، تو تحت مراقبت خدا هستی. بعد فهمیدم که این قدرت خداست که من احساس می‌کنم و عشق، گرما، صلح و آرامش از سایه‌هائی که تونل را احاطه کرده‌اند هم ایجاد می‌شود. آن‌چه من شاخه‌های درختان تصور کرده بودم، شاخه‌ها نبودند بلکه افرادی بودند که دوستشان داشتم و قبل از من مرده بودند. آن‌ها اطراف تونل بودند و مرا گرفته و راهنمائی می‌کردند و خوشامد می‌گفتند. این روح‌ها نقشی مهم در سفر من به زمین داشتند و کمک کرده بودند که من در سفرم به زمین شکل بگیرم و آموزش‌هائی که باید تکمیل کنم راحت‌تر کنند. ... خداوند مرا به خانه خوانده بود. نور روشن‌تر و درخشان‌تر شده بود. تمامی احساس‌های قوی که داشتم برگشته بود و من دوباره غرق در گرما، عشق، آرامش، آسایش و صلح بودم. به یاد می‌آورم که به انتهای تونل رسیدم و فورا با احساسی از اطمینان و امنیت در بر گرفته شدم. دید من از فراوانی نور تار شده بود، کمی سردرگم شدم ولی چیزی برای نگرانی وجود نداشت، هیچ ترسی نبود. اولین حسم که تحریک شد از بوها بود. رایحه‌های لطیف شیرین مرا احاطه کرده بودند. گویا عطر تمام انواع گل‌ها همزمان وجود داشت. شدت رایحه‌ها شگفت انگیز و آرامش بخش بود. نسیم گرم ملایمی می‌وزید، مانند جریانی از وفور. هنوز گرم و آرام بودم و به خانه منتقل شدم. بینائی‌ام که واضح‌تر شد، چهره‌های شاد و لبخند زنان زیادی را دیدم. احساس کردم گویا تعداد زیادی روح مختلف مرا نگاه داشته است و هر کدام‌شان بازگشت مرا به خانه تبریک می‌گفت. تشخیص این‌که آن‌ها که هستند سخت بود، همه جوان بودند حدود بیست تا سی سالگی. ولی چهره‌ها به تدریج آشنا شدند.

شروع به تشخیص آن‌ها کردم و دانستم چه کسانی هستند، میزان شادی که احساس می‌شد با لغات زمینی قابل بیان نیست. هیچ راهی نیست که بشود این احساس را توصیف کرد. ... در فاصله نزدیکی برج‌ها و ساختمان‌های عظیمی را دیدم که همگی با رنگ‌های باور نکردنی و جذاب برق می‌زدند. آسمان با رنگ‌های مختلف از آبی گرفته تا بنفش می‌درخشید. دشت‌های سرسبز گسترده و درختان با شکوه بودند. این‌ها خلقت خداوند و همه در هماهنگی کامل بودند. به نظر می‌رسید همه نواحی زمین در بهشت یافت می‌شود اما مثل زمین نیست و بهتر است و همان کمالی را دارد که خداوند در ابتدا آن‌ها را آفریده است. چیزهای خیلی زیادی برای سیاحت کردن و دیدن وجود داشت و همینطور روح‌های بسیار دیگر برای ملاقات و گفتگو. می‌خواستم با بهشت (خانه) آشناتر شوم آزادانه از جایی به جای دیگر حرکت کنم و در عمارت‌های بزرگ آن به اکتشاف بپردازم و دانش آن را جذب نمایم. عظمتی که در آن بودم را احساس می‌کردم و عجله‌ای برای سیاحت نداشتم. با آن‌ها بودم که روی زمین بیش از همه برایم عزیز بودند و می‌خواستم که تا جائی که نیاز دارم در حضور آن‌ها باشم. در طرح الهی ما همه یکی بودیم و روح‌های ما آن‌جا بود تا دوباره به هم متصل گردد. عمارت‌ها مکان یادگیری و تفکر بودند. هر کدام مقصود خاص خود را داشت و همه آن‌ها بزرگ و جذاب بودند. در بهشت ما سعی می‌کنیم خودمان را توسعه داده و روحمان را رشد بدهیم. یک ساختمان برای همه سوابق ثبت شده‌ی بشر است. از طومارهای بزرگ تا هر موضوع ثبت شده‌ای که هر زمانی نوشته شده حتی اگر برای همیشه از بین رفته یا فراموش شده باشد.

دانش وسیعی که در بر دارد عظیم است و هر فردی می‌تواند به اندازه گنجایش خود یاد بگیرد و رشد کند. یکی دیگر عمارت التیام است جائی که در آن با ماموریت خود بر روی زمین مواجه می‌شویم و با همه آن‌چه انجام داده‌ایم و باید برای آن پاسخ بدهیم. این ساختمانی با هیبت اما بدون ترس است. دیگری برای روح‌هائی است که گم شده و ناگهان باز می‌گردند. این مکانی باتشریفات است و نمی‌توانید از آن بازدید کنید. جائی برای شفاست و باید فضائی آرام و تسکین دهنده در آن حفظ شود. جمعیت بهشت، همان روح‌های ماست، همه ما که برای یادگیری و پیدا کردن مقصودمان به زمین آمده‌ایم. ما با اراده خود دارای شکل جسمانی می‌شویم تا بر روی زمین درس دیگری بیاموزیم. می‌توانیم در زمانی که مایلیم به زمین برویم و با ما در باره هدفمان و مشکلات آن گفتگو شده و راهنمائی ارائه می‌شود. ما با فرشتگان نگهبان و راهنماهایمان صحبت کرده و بررسی می‌کنیم که آیا این هدف در این نقطه از تکامل معنوی ما بیش از اندازه استرس‌زا است یا این‌که آیا زمان مناسب است که بتوانیم روح معنوی خود را جلو ببریم. اساس بحث بر پایه عشق خدا به ماست، به هر یک از ما، و هدف این‌که معنویت کسب کنیم. ... ناگهان، ما به سرعت وارد نور شدیم و واقعیت تماماً جدیدی برایم مکشوف شد، مشابه‌ی جهان فیزیکی اما در آن ارتعاش، رنگارنگ‌تر، زیباتر و شگفت انگیزتر. گیاهان، درخت‌ها، کوه‌ها، دریاچه‌ها، حیوانات و ساختمان‌هایی ساخته شده از ماده‌ای مشابه کریستال با درخششی سوسو زننده را دیدم. بعضی از آن ساختمان‌ها بسیار بزرگ و پر زرق و برق بودند. موجوداتی را در حال رفت و آمد دیدم، موجوداتی نورانی که سرگرم زندگی روزانه‌ی خود بودند.

آن‌ها بدن فیزیکی نداشتند بلکه میدان‌های انرژی متفاوتی داشتند. راه نمی‌رفتند، در هوا شناور بودند. زندگی‌ای تقریباً مشابه ما داشتند ولی بدون درگیری‌ها و غصه‌های ما. آن‌ها هنرمند، موسیقیدان، خواننده، مخترع، معمار، شفادهنده، خالق چیزهای سحرآمیز هستند، کارهایی که در زندگی بعدی‌شان در جهان فیزیکی آشکار می‌کنند. دوباره آن موجود نورانی گفت که می‌توانم در ماندن یا رفتن انتخاب کنم. اما هنوز کارهای زیادی بود که باید انجام می‌دادم و زمان درستی برای رفتنم نبود. هنوز تردید داشتم، به من گفته شد که اگر انتخاب کنم برگردم، دانش واثقی به من داده خواهد شد تا با خود ببرم و با دیگران در میان بگذارم. بعد از بحث‌های طولانی موافقت کردم برگردم و ناگهان خودم را در مقابل یک ساختمان مخروطی شکل دیدم. بسیار بلند بود، به نظر می‌رسید تا همیشه ادامه خواهد داشت. به من گفته شد که این تالار اصلی دانش است. وارد شدم و به طور مارپیچی از میان چیزهایی که به نظر می‌رسید قفسه‌ی کتاب هستند، به بالا پرواز کردم. مثل یک کتابخانه بود، چندین میلیون کتاب داشت و از میان تمامی آن‌ها گذشتم. وقتی به بالا رسیدم، به سرعت وارد یک زیبانمای رنگی شدم و در همان موقع سرم از آب بیرون پرید. من ۱۰ یارد رودخانه را از کلک شنا کرده بودم. ... در افق دور در مقابل نور زمینه، سایه‌ای می‌دیدم که به خطی ناهموار در گسترۀ آسمان در افق شبیه بود. ولی وقتی نزدیک‌تر شدم دیدم که این خط در حقیقت یک گروه بزرگ از (ارواح) انسان‌هاست که گسترۀ افق را پوشش داده است. همان‌طور که آن‌ها در پس‌زمینه آن نور به طرف من می‌آمدند تا به من خیر مقدم بگویند، متوجه شدم که تک تک آن‌ها را می‌شناسم!

بعضی از آن‌ها را از زندگی زمینی‌ام و برخی دیگر را از مکان‌های دیگر می‌شناختم. ... من همیشه اعتقاد داشتم که در ورای مرگ تاریکی و نابودی کامل در انتظار ماست، ولی اشتباه کرده بودم. مردن رفتن به خواب تاریک و ابدی نبود، بلکه بیداری به حقیقتی بود که تصور آن را هم نمی‌کردم. همان‌طور که توسط کسانی که دوستشان داشتم استقبال می‌شدم، احساس کردم در حال حل شدن در این قوی‌ترین عشقی که هرگز شناخته‌ام هستم. این عشق من را مانند امواج اقیانوس در خود گرفته بود و در احساس شعف و خوشحالی پر از عشق و انتظار و امید و بی‌نیازی خود غوطه‌ور می‌کرد. هیچ کلامی رد و بدل نمی‌شد. فقط افکار بودند که به طور آنی و در کمال شفافیت و وضوح از یک ضمیر ابدی به ضمیر دیگر منتقل می‌شدند، بدون امکان هیچ‌گونه پرده‌پوشی یا قضاوت.📝

📂منبع: 📂NDE

▪▬توضیحات‌شخصی: جلوه‌های درخشان و آذرخش این گیتی ۱۴شاخه متصل به ملکوت الهی از جانب قدرت اول خلقت پا به بشر گذاشتند تا انسان‌ها را به مرحله‌ای از نشاط و شعف جاودانه و احساساتی هموار از طعم شیرین محبت و عشق ناب خداوند را در میان دل بندگان زنده و ایجاد نمایند، کسانی که عظمت و جلال آفرینش پروردگار یکتا را در اعماق و افق برین آسمان‌ها و سرای جاودان بهشت با تمام آن‌چه هست و نیست مشاهده کردند و با زبانی مفرح و ساده برای مردم وصف نمودند، در سراپرده‌های نور محلی که مبداء ساختاری آن از عشق، محبت، شوق، حیات، نشاط، زندگی، آرامش، آسایش، لذت جاودانه، امید، جلال، کبریا، اعتماد نفس و... متشکل شده است تسبیح و ستایش آفریدگار هستی را با اخلاص اقرار کردند تا در جایگاه‌ای قرار بگیرند که راهنماگرانی کامل برای هدایت بشر باشند. آن‌ها آمدند تا بخواهند که ما انسان‌ها را از گودال تاریکی دنیا با دست توامندشان به بیرون هدایت کنند تا سرآغازی محکم برای رسیدن به سراپرده‌های عرش باشد... تمامی احکام و قوانین الهی که از جانب پیامبران و معصومین به موجودات رسیده است همه یک پیام را در خود دارد آن این است که چارچوب‌های تعین شده برای شما آدم‌ها به جهت آن‌ست تا از کثیفی‌ها و ظلمات پاک و مطهر شوید و به مراتبی از ایثار و قدرت روحی برسید، بدین پس و بدون وقفه‌ای مناسب برترین جایگاه خلقت باشید. آن‌ها آمدند تا بگویند مبادا فریب زینت و رنگ لعاب‌های دنیا که فقط در ظاهر پر معنا و جلوه هستند ولی در پنهان و پشت آن هیچ هیچ هیچ خبری نیست بخورید و بدون هیچ چشم داشتی جذب شوید آن‌ها آمدند تا ما را از گرداب هلاک‌کننده دنیا که مسیر آن به دوزخ منتهی می‌شود نجات دهند

آن‌ها آمدند تا سطحی بسیار وسیع‌تر از کائنات را به ما نشان دهند و در روبه‌روی ما دروازه‌ای بگشایند که گنجی گران‌بها و ارزشمند برای زندگانی انسان‌هاست آن‌ها برای ما اخباری از شگفتی‌ها و بی‌کران‌های عوالم گسترده نور آوردند تا با متصل شدن به آن خود را به پله‌های بالاتر برسانیم و در حقیقت پیشرفت نمائیم. پس هر که از آنان پیروی و فرمان‌برداری کرد پیروز و سعادتمند گشت و هر که جهت مخالف بر آنان نشان داد چه شکست تحقیرانه‌ای بر خود متحمل نمود.

نویسنده: محمدعلی شرطان



🎶موسیقی: 🎶Earth

🎸سازنده: 🎸Hans Zimmer and Lisa Gerrard

📹کیفیت: 📹HD_Frame1773

📀حجم: 📀MG114

📚کتاب؛بحارالانوار،کافی،امالی طوسی،تفسیر روایی البرهان،محاسن
جلد؛۱،۵،۱،۸،۱۴ صفحه؛۱۴،۱۰۴،۱۸۲،۶۵،۲۸/۲۶۴ 📚



♻️اشتراک‌گذاری این‌مطلب برای تمام دوستان‌تان واجب است♻️

🌐برای مشاهده مطالب‌بیشتر به صفحه‌رسمی @YoSoFeFATeMe به‌روید🌐

💠عالی‌ترین، محبوب‌ترین، زیباترین و خاص‌ترین مطالب علمی‌تحقیقاتی‌اسلامی را با بهترین پردازش‌ها در رسانه یوسف‌فاطمه مشاهده نمائید💠



📢جدیدترین مطالب‌رسمی رسانه یوسف‌فاطمه را در کانال‌های فعال‌ما



در سایت آرشیو

Https://Archive.Org/Details/@YoSoFeFATeMe_IR

در وبلاگ فارسی

Https://YoSoFeFATeMe.PersianBlog.IR

در شبکه‌اجتماعی اینستاگرام

Https://Instagram.CoM/YoSoFeFATeMe

در پیام‌رسان تلگرام

Https://TeleGram.Me/YoSoFeFATeMe_IR

در خدمات‌فیلم آپارات

Https://Aparat.CoM/YoSoFeFATeMe

در شبکه‌پیام‌نما توئیتر

Https://Twitter.CoM/YoSoFeFATeMe

در ایمیل‌الکترونیکی یاهو

Https://YoSoFeFATeMe@YAhoo.CoM



مشاهده، دنبال کنید.📢